

داوری عین القضاة میان ابن‌سینا و ابوسعید اوالخیر

دکتر علینقی منزوی

[چیتا، سال نهم، دی 1370، ش4، صص508-509]

قاضی عین‌القضاة از نامه‌ای یاد می‌کند که¹ ابوسعید ابوالخیر میهنی (357-440 ق) به ابن‌سینا (370-428 ق) نوشته و پاسخی که این بدو داده است. قاضی مضمون این نامه‌ها را از کتاب *احویه ابن‌سینا و مصابیح ابوسعید* نقل می‌کند. لیکن چون کسی کتابی به نام *مصابیح* به ابوسعید نسبت نداده است و در *احویه* عربی چاپ سلیمان دنیا در مصر سال 1949م و ترجمه‌ی فارسی آن چاپ خدیوچم در تهران با چنین مطلبی برخورد نمی‌کنیم، گمان می‌رود که تصحیفی در آن نام‌ها رخ داده باشد. از این رو من در این جا گفته‌ی خود عین‌القضاة را می‌آورم تا با برابر نمودن جمله‌هایی از آن در نامه که عین‌القضاة نقل می‌کند، با نسخه‌های گوناگون از مجموعه‌ی *أجوبه ابن‌سینا* به ابوسعید ابوالخیر که دکتر یحیا مهدی در *فهرست نسخه‌های مصنفات ابن‌سینا*، چاپ تهران، 1333خ، صص 2-11 آورده‌اند، شاید شناخت آن‌ها آسان‌تر شود.

قاضی عین‌القضاة گوید: « اما ای دوست، در رساله‌ی *احویه* مگر که نخوانده‌ای که ابوسعید ابوالخیر (ره) پیش بوعلی سینا نوشت: « دَلَّني على الدليل! [راهنما را به من بنما!] فقال الريس ابوعلی فی الرسالة علی طریق الجواب [بوعلی در آن رساله به راه پاسخ چنین گفت]: « الدخول فی الکفر الحقیقی و الخروج من اسلام الحجازی [به کفر درست درون رفتن و اسلام مجازی بیرون آمدن] و آن لالتفتت إلا بما كان وراء الشخوص الثلاثة² حتی تكون مُسَلِّماً و کافراً، و ان كنت و راء هذا فلست مؤمناً و لا کافراً³؛ وَ كُنْتُ تَحْتَ هَذَا فَانْتِ مُشْرِكٌ مُسْلِمٌ، و ان كنت جاهلاً من هذا فإِنَّكَ تَعْلَمُ أَنْ لاقِمْه لَكَ و لَاتَعُدَّ مِنْ جُمْلِهِ الموجودات».

شیخ ابوسعید در *مصابیح* می‌آورد که این کلمات ابن‌سینا به اندازه یک صد هزار سال عمر در عبادت به من علم آموخت، اما من (عین‌القضاة) می‌گویم که شیخ ابوسعید هنوز این کلمات را نچشیده بود؛ اگر چشیده بودی هم چنان که بوعلی و دیگران که مطعون بیگانگان آمدند، او نیز مطعون و سنگسار بودی در میان خلق. اما صد هزار جان این مدعی فدای آن شخص باد که چه پرده دری کرده است.

اندر ره عشق کفر و ترسایی به

در کوی خرابات تو رسوایی به

ز ناز به جای دل‌ق یکتایی به

سودایی و سودایی و سودایی به

(کوتاه شده از بند 463، صص 349-350، *تمهیدات عین‌القضاة*

همدانی، چ تهران، 1341 خ)

این نظر *عین القضاة* که ابن‌سینا را بر بوسعید برتری داده است درست عکس دیدگاه صوفیان آن روزگار است که در کتاب *اسرار التوحید* چنین دیده می‌شود:

« پس از خلوت کردن سه روزهی ابن‌سینا و بوسعید بوخیر در خانه‌ای دربسته که هیچ کس سخنانشان ندانست، ابن‌سینا در پاسخ شاگردان که شیخ را چگونه یافتی؟ گفت: « هر چه من می‌دانم، او می‌بیند! » ابوسعید نیز در پاسخ همان پرسش گفت: « هر چه ما می‌بینیم، او می‌داند! » لیکن صاحب *اسرار التوحید* چنین می‌افزاید: « ابن‌سینا را در حق شیخ ما ارادتی پدید آمد، و پیوسته هرگاه از افزوده‌ی نواده‌ی ابوسعید که شاید دیدگاه صوفیان ساده دل سده‌ی ششم باشد بگذریم، آن دو پاسخ هماهنگ از دو طرف مناظره نشان می‌دهد: اولاً، ابن‌سینا هم چنان که در *اشارات* نشان می‌دهد یک اشراقی و گنوسیست مسلمان است. پس سنی‌نمائی و مشائی‌گری او در کتاب *شفا* که با «دلیل ترکیب» توحید عددی را اثبات می‌کند، برای حفظ مقام وزارت خود بوده است؛ ثانیاً، ابوسعید با آن که یک اشراقی و گنوسیست خالص است، به فلسفه و علم گردن می‌نهاده است.

1- ن ک: *تمهیدات* صص 349-350، مقدمه‌ی عقیف عسیران بر آن کتاب صص 71-72؛ تعلیقات حسین خدیو جم بر *اضحویه*، ترجمه‌ی فارسی، صص 99-105، مقاله‌ی محمدتقی دانش‌پژوه در مجله‌ی دانش، سال سوم، پاسخ خواجه‌ی رییس ابن‌سینا به پرسش ابوسعید؛ مقاله‌ی دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، مجله‌ی سخن دوره‌ی 19، ش7، صص 681-698؛ مقدمه‌ی *اسرار التوحید*، چ آگاه، صص 25-38.

2- *عین القضاة* در نامه‌ی شصت و چهارم چنین می‌آورد:
در نگر تا به کفر اول بینا گردی، پس راه رو تا ایمان عموم به دست آوری، پس جان کن! تا به کفر ثانی بینا گردی. پس طلب کن بجد! تا ایمان خصوص را بیابی، پس از این اگر دولتی باشد به کفر ثالث در نهاد خود بینا شوی! (*نامه‌های عین القضاة*، ج1، بند 799).

3- همین عبارت در *فهرست مصنفات ابن‌سینا*، ص9، تألیف دکتر مهدوی به نقل از رساله‌ی « ارشاد»، یا « رهد» منسوب به ابن‌سینا و رساله‌ی مسمی به « مصباح» یا « مصابیح» از ابوسعید ابوالخیر دیده می‌شود. نزدیک شیخ آمدی و کرامات شیخ می‌دیدی (*اسرار التوحید* ص 210).